

طهران

حضرت آقا سید نصرالله باقراف علیه بهاء الله الأبهی

هو الله

ای ثابت بر عهد و پیمان مدّتیست که با آن یار مهربان گفتگوئی ننمودم و از احساسات جان و دل دم نزدم عبدالبهاء مانند مرغ گویائی بود که در موسم خزان در لانه خاموشی سر بزیر پر نهاده از آهنگ و آواز و نغمه و شهنواز بازمانده نه الحانی و نه ناله راز و نیازی و در این نیز حکمت بالغه بوده الحمد لله دوباره موسم ربیع آمده و بیان بدیع آغاز نموده و با آن یار حقیقی و سائر یاران صمیمی بتحریر و تقریر پرداخته این از عنایات حضرت خفیّ الألطاف است که پس از خاموشی بخروش آمده و بعد از سکوت بغلیان و جوش پرداخته و در بدایت مخابره بمکاتبه بیاران عزیز آغاز نموده باری سالهای انقلاب و شدّت اضطراب هر چه بود گذشت حال سکون و اطمینان حاصل باید چون هزبر صائل و شجاع باسل در میدان جانفشانی جولان نمود زیرا عالم انسانی از این جنگ ناگهانی استعدادی شدید حاصل نموده و علوئیّت تعالیم الهی و نورانیّت احکام ربّانی و مضامین الواح سبحانی تحقّق یافت امیدواریم که حرب عمومی بصلح عمومی انجامد و این سفاکی و هتّاکی و بیباکی پاکی و آزادگی نتیجه بخشد جهان آسایش یابد و کیهان آرایش جوید ولوله پرخاش و جنگ بهلله نغمه و آهنگ مبدّل گردد این ابرهای تاریک متلاشی شود و آفتاب عزّت ابدیّه انسانی در جمیع اقالیم بتابد و عالم بشر را از شرّ خطر برهاند

جناب میرزا کمال در بیروت باکمال علوم پرداخته و جناب میرزا جلال در دائره حکومت حیفا مأموریتی یافته و منتظر تسهیل سفر بآن صفحات هستند و علیک البهاء الأبهی

عبدالبهاء عباس

۳ ربیع الثانی ۱۳۳۷